

## ارزیابی انتقادی دیدگاه نوو و کورن درباره پیدایش شخصیت پیامبر اسلام ﷺ، بر پایه متون سریانی

سید محمد سلطانی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مستشرقان تجدیدنظرطلب، شکل‌گیری تدریجی اسلام از یک دین توحیدی ابتدایی است که در دوره امویان در قالب اسلام پدیدار می‌شود. نوو و کورن در کتاب چهارراه‌هایی به اسلام: مبادی مذهب تازیان و حکومت ایشان، به تبیین این نظریه بر اساس شواهد باستان‌شناختی و متون سریانی صدر اسلام پرداخته‌اند. یکی از محورهای اصلی این نظریه، ایجاد شخصیت پیامبر ﷺ در دوره عبدالملک بن مروان است و از این رو دین عرب‌ها را در این دوره «آیین محمدی» نام نهاده‌اند. با توجه به انتشار و تأثیر گسترده این دیدگاه در مجامع علمی و گسترش استناد به متون سریانی در تحلیل رخداد‌های صدر اسلام، نوشتار پیش رو به روش تحلیل تاریخی-انتقادی به ارزیابی این دیدگاه بر اساس متون سریانی صدر اسلام می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نظریه نوو و کورن درباره پیدایش شخصیت پیامبر اسلام ﷺ مبتنی بر روش علمی در بهره‌گیری از متون سریانی مرتبط با دوره نخستین شکل‌گیری اسلام نیست، و تبیین نادرستی از این متون ارائه می‌دهد. در میان متون سریانی کهن، گزارش سال ۶۳۷ م، رویدادنامه سال ۶۴۰ م، رویدادنامه خوزستان، رویدادنامه مارونی و کتاب نکات اصلی به حضرت محمد ﷺ اشاره کرده‌اند، که سه متن نخست به‌طور قطعی پیش از دوره حکومت عبدالملک بن مروان نگاشته شده‌اند. متن چهارم نیز به احتمال زیاد، متعلق به این دوره است. تاریخ نگارش متن پنجم تنها دو سال پس از آغاز حکومت عبدالملک است و حتی اگر دیدگاه نوو و کورن مبنی بر ایجاد شخصیت پیامبر ﷺ توسط عبدالملک را بپذیریم، بسیار بعید است که وی در این فاصله کوتاه از آغاز حکومتش توانسته باشد آن‌قدر سریع این کار را انجام دهد که در متون سریانی نیز انعکاس یابد.

واژگان کلیدی: حضرت محمد ﷺ، مستشرقان، یهودا نوو، یودیت کورن، متون سریانی، عبدالملک بن مروان.

۱. دکتری تاریخ اسلام؛ دانشگاه باقرالعلوم ﷺ

## مقدمه

طی دهه‌های اخیر، مطالعات غربیان درباره دین و تاریخ قرون نخستین اسلام دو مسیر متمایز را پیموده است: رویکرد سنتی<sup>۱</sup> که نسبت به منابع اسلامی خوش بین است و استخراج گزارش‌های اصیل از آن را به کمک روش‌های تحلیل متن و سند ممکن می‌داند. از پیروان این رویکرد می‌توان به تئودور نولدکه، ویلیام مونتگمری وات، ماکسیم رودینسون و رودی پارت اشاره کرد (see Nöldeke, 1914; Watt, 1953; Rodinson, 1961; Paret, 1980). گروه دیگر بر مبنای روش‌های نقد-منبع<sup>۲</sup> این مکتوبات را مورد ارزیابی انتقادی قرار داده و عمده اتکای خود را بر نگاه‌شسته‌های غیرعرب‌های هم‌عصر دوره پیدایش اسلام و نیز بقایای مادی برجای مانده از این دوره؛ مانند یافته‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی قرار داده‌اند. این رویکرد را با توجه به نتایج و نه روش‌هایش «تجدید نظرطلبانه»<sup>۳</sup> می‌نامند و پیروانش رویکرد سنتی را مطالعه دین یا ادبیات تلقی می‌کنند و نه تاریخ. (نو و کورن، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴) میزان شکاکیت تجدید نظرطلب‌ها به گزارش‌های اسلامی مختلف است. برخی چون جان ونزبرو در کتاب محیط فرقه‌ای<sup>۴</sup>، حضرت محمد ﷺ را شخصیت مبهمی از یک پیامبر عرب می‌داند؛ کرونه و کوک در کتاب هاجریسم<sup>۵</sup> اهمیت تاریخی آن حضرت و میزان واقع‌نمایی اخبار سیره را پایین‌تر از دیدگاه رایج برمی‌شمارند؛ ولی برخی چون یهودا د. نوو<sup>۶</sup> (۱۹۹۲ م) و یودیت کورن<sup>۷</sup> به کلی پیامبر اسلام را شخصیتی ساختگی می‌دانند.<sup>۸</sup> (Schoeler, 2011: 9)

---

1. Traditional

2. critical-source

3. Revisionist

4. Wansbrough, John E. The sectarian milieu: Content and composition of Islamic salvation history. Oxford, 1977.

5. Crone, Patricia; Michael Cook. Hagarism: the making of the Islamic world. CUP Archive, 1977.

6. Yehuda D. Nevo

7. Judith Koren

۸. گئورگ شوئرلر در مقدمه کتاب زندگی‌نامه محمد [ص]؛ ماهیت و اعتبار، به معرفی مهم‌ترین شخصیت‌ها و آراء این دو جریان پرداخته است. (schoeler, 2011: 9)

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های تجدیدنظرطلب‌ها شکل‌گیری تدریجی اسلام از یک دین توحیدی ابتدایی است که در طول قرن‌ها به شکل کنونی آن درآمد است. نوو و کورن که دو باستان‌شناس اسرائیلی و متخصص مطالعات خاورمیانه هستند، کتاب چهارراه‌هایی به اسلام: مبادی مذهب تازیان و حکومت ایشان<sup>۱</sup> را به تبیین ویژه خود از این نظریه اختصاص داده‌اند.<sup>۲</sup> مقدمه این کتاب به نقد دیدگاه سنتی در تبیین تناقضات روایات اسلامی مربوط به صدر اسلام و دشواری‌ها و اشکالات استناد به گزارش‌ها و شواهد متنی، به‌ویژه متون متأخر از رویدادها پرداخته، و از سوی دیگر، مزایای شواهد غیرمتنی؛ مانند یافته‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی را برشمرده است. (Nevo and Koren, 2003: 3-10) محورهای اصلی دیدگاه نوو و کورن، عبارت‌اند از: مشرک بودن فاتحان عرب و پیدایش تدریجی اندیشه توحید و باورهای اسلام در میان آنان، و پیدایش شخصیت حضرت محمد ﷺ و قرآن کریم در دوره عبدالملک بن مروان و پس از آن. (Ibid: 10-11)

این دیدگاه بازتاب گسترده‌ای در جهان غرب داشته و کتاب مشترک آن‌ها به‌عنوان یکی از مشهورترین نگاشته‌های تجدیدنظرطلبان، تأثیری آشکار بر آثار لاتین گذاشته است. (e.g., Shutoa, 2016; Al-Azmeh, 2014; Grodzki, 2014; Holland, 2012; Wakeley, 2018) از آثار موسسه إنارة آلمان که توسط انتشارات فروغ به چاپ می‌رسد، به پیدایش اسلام در عصر اموی اشاره داشته‌اند؛ برای نمونه کتاب چگونه مسلمان شدیم؟ نوشته آرمین لنگرودی، پژوهشگر تاریخ اسلام ساکن اتریش را باید نام برد.<sup>۳</sup> برخی از نوشته‌های مستشرقانی که وام‌دار دیدگاه نوو هستند نیز به فارسی ترجمه شده است، که برای نمونه می‌توان کتاب آغاز اسلام از اوگاریت به سامریه، نوشته فلکر پُپ<sup>۴</sup> را نام برد.

1. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. Crossroads to Islam: the Origins of the Arab religion and the Arab state. Prometheus Books, 2003.

۲. نوو پیش‌تر دست‌نوشته‌هایی به خط کوفی در صحرای نقب در فلسطین اشغالی کشف کرد و چهارصد مورد از آن‌ها را در کتابش دست‌نوشته‌ای عربی قدیمی گزارش نمود.

۳. چاپ اول تابستان ۱۳۹۶ (۲۰۱۷)، چاپ دوم با تصحیحات و اضافات بهار ۱۳۹۷ (۲۰۱۸)، ۲۶۸ صفحه، انتشارات فروغ.

4. Volker Popp

نو و کورن از دو دسته منابع تاریخی برای سامان دادن به دیدگاه خود بهره برده‌اند: متون مسیحی معاصر و یافته‌های باستان‌شناختی (شامل سکه‌ها، کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها). نوشتار پیش رو تنها بر اساس دسته اول، یعنی منابع مکتوب مسیحیان سریانی معاصر صدر اسلام، به دیدگاه آنان درباره پیدایش شخصیت پیامبر ﷺ خواهد پرداخت، و برای این کار از روش‌های عمومی نقد نظریه، مانند نقد منطقی<sup>۱</sup>، یعنی سنجش سازگاری درونی و نحوه استنتاج، و نقد مستندات<sup>۲</sup>، یعنی بررسی اصالت، عینیت، همگرایی و ارائه غیرجانبدارانه مواد تاریخی استفاده شده در نظریه و توجه به مواد تاریخی تازه کشف شده و یا مورد غفلت نویسنده (wikipedia.org/Varieties\_of\_criticism) استفاده خواهد کرد.

### ۱. پیشینه

هرچند حدود ۱۷ سال از انتشار دیدگاه نو و کورن می‌گذرد و تأثیر فراوانی بر جامعه علمی و تا حدودی غیرعلمی داشته، تاکنون نه در میان مستشرقان و نه در مجامع علمی اسلامی به‌طور ویژه به بررسی تفصیلی آن، به‌ویژه مستندات متون سریانی، پرداخته نشده است. گئورگ شوئر نیز تنها بخشی از مقدمه کتاب زندگی نامه محمد (ص)؛ ماهیت و اعتبار را به مرور اجمالی شواهد باستان‌شناختی مخالف با دیدگاه نو و کورن اختصاص داده است. مشخصات این اثر چنین است:

Schoeler, Gregor. *The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity*. Routledge, 2010.

البته مقالات مروری که درباره این کتاب نوشته شده است، می‌تواند در شناخت بهتر کتاب و رویکرد نویسندگان آن مورد استفاده قرار گیرد. مهم‌ترین این مقالات عبارت‌اند از:

– Grodzki Marcin, “Yehuda D. Nevo – a comprehensive skeptical theory on the genesis of Islam”, *Rocznik Orientalistyczny*, T. LXXI, Z. 1, 2018, s. 55-95.

1. Logical criticism

2. Factual criticism

- Foss, Clive. "An unorthodox view of the Rise of Islam-YEHUDA D. NEVO and JUDITH KOREN, CROSSROADS TO ISLAM. THE ORIGINS OF THE ARAB RELIGION AND THE ARAB STATE", Journal of Roman Archaeology, 18, 2005.
- Reynolds, Gabriel Said. "Crossroads to Islam: The Origins of the Arab Religion and the Arab State by Yehuda D. Nevo, Judith Koren". Journal of the American Oriental Society, vol. 125, no. 3, 2005, pp. 453-57.
- Bamyeh, Mohammad A. International Journal of Middle East Studies, vol. 38, no. 2, 2006.
- Cook, David. "Review of Crossroads to Islam." Middle East Quarterly, vol. 13, no. 4, 2006.

همه این مقالات به طور اجمالی به تشریح دیدگاه نوو و کورن پرداخته، و نقد تفصیلی به ویژه در رابطه با متون مسیحیان معاصر را مطرح نکرده‌اند؛ بنابراین، می‌توان این مقاله را نخستین ارزیابی این دیدگاه دانست که مستندات متون غیراسلامی آن را درباره پیدایش شخصیت پیامبر اسلام ﷺ مورد بررسی تفصیلی قرار داده است.

## ۲. زیست‌شناخت نوو و کورن

یهودا د. نوو<sup>۱</sup> (۱۹۳۲-۱۹۹۲ م.) باستان‌شناس اسرائیلی و متخصص مطالعات خاورمیانه در دانشگاه عبری اورشلیم بود. تحقیقات باستان‌شناسی وی در صحرای نِقب در جنوب فلسطین اشغالی، منجر به کشف برنگاشت‌هایی به خط کوفی شد. این یافته‌ها وی و خانم یودیت کورن<sup>۲</sup>، کتابدار کتابخانه دانشگاه حیفا، را در دهه ۱۹۸۰م بر آن داشت که ارزیابی دوباره‌ای از تاریخ پیدایش اسلام و دوره نخست اسلامی ارائه دهند. کتاب چهارراه‌هایی به

1. Yehuda D. Nevo

۲. با توجه به عدم شهرت علمی خانم یودیت کورن (Judith Koren)، از زندگی و سوابق علمی او اطلاعات زیادی در دسترس نیست.

- اسلام: مبادی مذهب تازیان و حکومت ایشان حاصل کار این دو نویسنده است که در آن به تبیین دیدگاه ویژه خود در این باره پرداخته‌اند.<sup>۲</sup>
- سایر نگاشته‌های علمی یهودا نوو عبارت‌اند از:
- کتاب دوره نخستین عربی در نقب، ۱۹۸۲ م.<sup>۳</sup>
  - کتاب سیده بوکر و نقب جنوبی، سده ۷ و ۸ میلادی، ۱۹۸۵ م.<sup>۴</sup>
  - مقاله «خاستگاه‌های توصیفات اسلامی از عبادتگاه جاهلی مکه»، ۱۹۹۰ م.<sup>۵</sup>
  - کتاب مشرکان و چوپانان: ارزیابی دوباره سیستم‌های کشت رواناب در بیزانس و دوره‌های نخستین عربی، ۱۹۹۱ م.<sup>۶</sup>
  - مقاله «رویکردهای روش‌شناختی به مطالعات اسلامی»، ۱۹۹۱ م.<sup>۷</sup>
  - کتاب برنگاشت‌های عربی کهن از نقب، ۱۹۹۳ م.<sup>۸</sup>
  - مقاله «به سوی یک پیش‌تاریخ از اسلام»، ۱۹۹۴ م.<sup>۹</sup>

- 
1. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. *Crossroads to Islam: the Origins of the Arab religion and the Arab state*. Prometheus Books, 2003.
  2. [https://en.wikipedia.org/wiki/Yehuda\\_D.\\_Nevo](https://en.wikipedia.org/wiki/Yehuda_D._Nevo); <https://en-academic.com/dic.nsf/enwiki/2220453>.
  3. Rosen-Ayalon, M., Ben-Tor, A. & Nevo, Y. *The Early Arab Period in the Negev*. Jerusalem, The Hebrew University of Jerusalem, Institute of Archaeology, 1982.
  4. Nevo, Y. D. *Sede Boqer and the Central Negev, 7th-8th Century AD*. Jerusalem, Israel Publication Services, 1985.
  5. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. "The origins of the Muslim descriptions of the Jāhilī Meccan sanctuary." *Journal of Near Eastern Studies* 49.1 (1990): 23-44.
  6. Nevo, Yehuda D. *Pagans and herders: A re-examination of the Negev runoff cultivation systems in the Byzantine and early Arab periods*. Negev, Israel, IPS Limited, 1991.
  7. Koren, Judith, and Yehuda D. Nevo. "Methodological approaches to Islamic studies." *Der Islam* 68.1 (1991): 87-107.
  8. Nevo, Yehuda D., Zemira Cohen, and Dalia Heftman. *Ancient Arabic Inscriptions from the Negev*. Midreshet Ben-Gurion, IPS Ltd, 1993.
  9. Nevo, Y. "Towards a prehistory of Islam." *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* (1994): 108-141.

### ۳. دیدگاه نوو و کورن درباره پیدایش شخصیت پیامبر ﷺ

یکی از محورهای اصلی دیدگاه نوو و کورن، پیدایش شخصیت پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ است. آنان بر این باورند که جماعتی از نخبگان در میان فاتحان عرب به تدریج به یکتاپرستی گرویدند؛ اما دین مشخص و متمایزی نداشتند. به تدریج این باور ابتدایی گسترش یافت تا این که در زمان حکومت عبدالملک، لزوم ایجاد دین مجزایی برای عرب احساس شد. نوو و کورن ایجاد شخصیت پیامبر ﷺ را محصول این دوره می دانند و از این رو دین عرب ها را در این دوره «آیین محمدی» نام نهاده اند. آنان برای تبیین دیدگاه خویش درباره شکل گیری شخصیت پیامبر اسلام ﷺ در دوره امویان بر دو نکته تأکید دارند. نکته نخست این است که در منابع مکتوب پیش از دوره عبدالملک، نامی از حضرت محمد ﷺ به عنوان پیامبر عرب وجود ندارد؛ و نکته دوم این که شواهد باستان شناسی، به ویژه سکه ها، حکایت از آن دارند که ایجاد و معرفی شخصیتی به نام محمد [ص]، به عنوان رهبر دینی عرب ها در دوره عبدالملک صورت گرفته است. در این بخش شواهد متون غیراسلامی مورد استناد نوو و کورن تبیین شده است.

نوو و کورن به این واقعیت اذعان دارند که نام محمد [ص] در متون مسیحی پیش از دوره عبدالملک ثبت شده است؛ اما آنان تلاش دارند در همه این موارد، توضیح و تفسیری ارائه دهند که اشاره این نام به پیامبر اسلام ﷺ را انکار کنند.

#### ۳،۱. گزارش سال ۶۳۷ م

- نخستین متن سریانی مورد بررسی نوو و کورن، نوشته حاشیه نسخه ای از انجیل سریانی مربوط به قرن ششم میلادی از فردی ناشناس است که ترجمه بخش های خوانای آن چنین است:
- ۷... آشکار شد... و رومی ها... ..
۸. و در ژانویه آنان کلمه (توافق نامه تسلیم) را به خاطر جان خویش پذیرفتند.

۹. [فرزندان] اِمسا، و روستاهای فراوانی تخریب گردید، همراه با کشتار توسط
۱۰. [سربازان] محمد، و افراد زیادی کشته و اسیر شدند
۱۱. از جلیلیه تا بیت...
۱۲. [...] و آن عرب‌ها در کنار [دمشق؟] ساکن شدند...
۱۳. [...] و ما دیدیم [؟] همه جا
۱۴. و روغن زیتون که آنان آوردند و [...] آنان را؛ و در بیست و
۱۵. [شش] ماه می سد [اکلاریوس] ... احشام
۱۶. [...] از اطراف اِمسا، و رومی‌ها به تعقیبشان پرداختند [...]
۱۷. [...] و در روز دهم
۱۸. [از ماه آگوست] و رومی‌ها از اطراف دمشق فرار کردند [...]
۱۹. بسیاری [از مردم]، حدود ۱۰۰۰۰؛ و در آغاز
۲۰. [سال بعد] رومیان آمدند. در بیستم آگوست سال ن [هصد]
۲۱. [و چهل و] هفت<sup>۱</sup> در گایثا (جاییه) گرد آمدند
۲۲. [...] رومیان و مردمان بسیاری کشته شدند] از
۲۳. [ر] و میان، حدود پنجاه هزار [...]
۲۴. [...] در سال نهصد و چهل [ل و هشت]

...

۲۹. ... و رومیان گرفتار شدند. (Nevo and Koren, 2003: 111-112; cf. Penn, 2015b: 23-24)

نولدکه بر اساس مکان و میزان تلفات، جنگ مورد اشاره در متن را همان جنگ یرموک دانسته است. (Nöldeke 1875: 79) پالمر هم با این نظر موافقت کرده و افزون بر آن، خطوط 9-10 را اشاره‌ای به جنگ اجنادین دانسته است؛ (Palmer, 1993: 29) اما نوو و کوهن با هر دو تطبیق مخالف‌اند؛ زیرا جاییه فاصله قابل توجهی (حدود ۲۰ کیلومتر) با محل جنگ یرموک دارد، و دو

۱. بر حسب سال سلوکی که معادل سال ۶۳۶ میلادی است. (Nevo and Koren, 2003: p.112, f.43)

خط ۹-۱۰ اشاره‌ای به یک جنگ ندارند و از مناطق شمالی شام؛ مانند امسا، جلیلیه و احتمالاً دمشق سخن می‌گویند و نه اطراف غزه. در واقع، اشکال اصلی نوو و کوهن به نولدکه و پالمر این است که این دو مطابق روند رایج در رویکرد سنتی با اعتماد به منابع اسلامی فتوحات و بر اساس داده‌های موجود در آن‌ها، به تفسیر این متن سریانی پرداخته‌اند؛ در حالی که خود متن اشاره روشنی به این جنگ‌ها ندارد. (Nevo and Koren, 2003: 112-113)

نوو و کورن ترجیح می‌دهند تاریخ نگارش این متن را با توجه به وجود سطوری که قابل خواندن نیست، به مدت نامشخصی پس از وقوع آن حوادث اعلام کنند، و بر اساس نظریه خود، ذکر نام محمد [ص] را شاهدی بر نگارش این متن پس از سال ۷۰ هجری (۶۹۰ میلادی) بدانند. نوو و کورن عبارت «ما دیدیم» در خط سیزدهم را نشانه‌ای بر این‌که نویسنده خودش شاهد عینی این رخدادها بوده است، نمی‌دانند؛ زیرا نولدکه (Nöldeke 1875: 79) آن را به صورت مجهول «دیده شدند» ترجمه کرده است. (Nevo and Koren, 2003: 110-114)

### ۳.۲. کتاب تعالیم یعقوب

متن دیگری که مورد استناد نوو و کورن قرار گرفته، کتاب تعالیم یعقوب است. این کتاب نگاشته‌ای یهودی‌ستیز است که در سال ۶۳۴ میلادی تنظیم، و احتمالاً پس از آن به فاصله نه‌چندان زیادی به رشته تحریر درآمده است. در کتاب تعالیم یعقوب اشاره به یک «پیامبر دروغین» شده است «که همراه ساراسن‌ها می‌آید». فراز محل بحث به ظاهر، نامه‌ای از یک یهودی فلسطینی به نام ابراهیم است:

یک پیامبر دروغین همراه ساراسن‌ها آشکار شده است... آن‌ها می‌گویند که پیامبر آشکار شده است و همراه ساراسن‌ها می‌آید، و ظهور مسیحی که قرار است بیاید را اعلام می‌کند. من، ابراهیم،... این موضوع را با یک مرد مسن که بسیار به متون دینی تسلط داشت، در میان

1. Doctrina Iacobi nuper baptizati

2. Saracens

گذاشتم و از او پرسیدم: «ای مرشد و ای استاد، نظرت درباره پیامبری که همراه ساراسن‌ها ظاهر شده، چیست؟» او درحالی که به آرامی ناله می‌کرد، پاسخ داد: «او یک شیّاد است. آیا پیامبران با شمشیر و ارابه جنگی می‌آیند؟» ... بنابراین من، ابراهیم، پرس و جو کردم، و آنان که او را از ملاقات کرده بودند، به من گفتند: «هیچ حقیقتی در آن به اصطلاح پیامبر پیدا نمی‌شود، جز خونریزی؛ زیرا او می‌گوید کلیدهای بهشت را در اختیار دارد، که باورنکردنی است.» (Doctrina Jacobi, qtd. in Crone and Cook, 1977: 3-4. see also Hoyland, 1977: 57).

نو و کورن به نقل گفتار برخی از مورخان می‌پردازند که این متن را اشاره به حضرت محمد [ص] دانسته‌اند (Kaegi, 1969; Crone and Cook, 1977: 3-6). پاتریشیا کرونه و مایک کوک بر این باورند که این متن مطالب قدیمی‌تر و تاریخی‌تری درباره محمد [ص] در بردارد که بعدها اسلام به سبب داشتن ماهیت یهودی- مسیحی بر آن‌ها سرپوش گذاشته است؛ مانند این که پیامبر در زمان فتوحات زنده بوده و شخصاً فرماندهی می‌کرده، و این که او خود را منادی و پیش‌قراول مسیح (یهودی) می‌خوانده است و ادعا می‌کرد کلیدهای بهشت را در اختیار دارد (Crone and Cook, 1977: 3-6)؛ اما نو و کورن معتقدند بر اساس شواهد موجود نمی‌توان گفت که چنین شخصیتی که خود را پیامبر خوانده و گروهی از عرب‌ها را با خود همراه ساخته، واقعاً وجود داشته است؛ زیرا این متن اشاره‌ای به شخص محمد [ص] ندارد؛ و کرونه و کوک نیز با فرض اشاره این متن به محمد [ص]، تفسیر پیشین را ارائه داده‌اند. از سوی دیگر، نبوت در ادیان توحیدی، با تفاوت‌هایی در چگونگی آن، همواره وجود داشته (Wansbrough, 1987: 11)، و در نتیجه، چه بسا این شخص قبل از پیامبر اسلام، ادعای نبوت داشته است (Nevo and Koren, 2003: 209).

### ۳.۳. کتاب اسرار ربّی سیمون بن یوحای

کتاب اسرار ربّی سیمون بن یوحای<sup>۱</sup> یک مکاشفه آخرالزمانی<sup>۲</sup> است که در نیمه قرن هشتم

1. Secrets of Rabbi Simon ben Yoḥay

2. apocalyptic

میلاادی نگاشته شده و تنها یک فقره آن افزوده دوره‌های بعدی است (Lewis, 1950: 309). در این کتاب یک تفسیر مسیحایی از فتوحات عرب‌ها وجود دارد که در آن اشاره‌ای نیز به یک پیامبر اسماعیلی شده است:

وقتی او دید که پادشاهی اسماعیل از راه می‌رسد، چنین گفت: «آیا کافی نبود، آنچه پادشاهی شرورانه ادوم [= عیسو، برادر یعقوب] [یعنی روم/بیزانس] با ما انجام داد؛ ولی [ما لایق] پادشاهی اسماعیل نیز [هستیم]؟» مطاطرون فرشته پاسخ داد: «نترس، فرزند انسان، چرا که خداوند متعال تنها برای رهایی تو از این پادشاهی شرورانه [یعنی بیزانس]، پادشاهی اسماعیل را می‌آورد. او بر اساس اراده خویش یک پیامبر بر ایشان برمی‌انگیزد و سرزمین [مقدس] را برای ایشان فتح می‌کند و آنان می‌آیند و شکوه آن را بازمی‌گرداند، و میان آن‌ها و فرزندان عیسو [یعنی بیزانس] کشتار بزرگی خواهد بود». ربی سیمون پاسخ او را داد و گفت: «چگونه [معلوم است] که آنان [مایه] نجات ما هستند؟» او [مطاطرون] به او گفت: «آیا اشعیای نبی نگفته است که ارابه‌ای با دو سوارکار دید...؟ چرا او ارابه حمارها را پیش از ارابه شتران قرار می‌دهد؛ درحالی که او باید می‌گفت: «ارابه شتران و ارابه حمارها». آیا چون آن زمانی که او، مرد سوار بر شتر، به پیش می‌رود، پادشاهی از طریق مرد سوار بر حمار خواهد رسید؟ [نه، بلکه به این سبب که] ارابه حمارها، از آنجاکه او [مسیح] سوار بر حمار است، نشان می‌دهد که آنان [اسماعیلیون، که سواران بر شتر خوانده شده‌اند] [مایه] نجات اسرائیل هستند، همانند نجات [ی] که [مرد سوار بر حمار] به ارمغان می‌آورد». (Hoyland, 1997: 309-10)

کرونه و کوک «مرد سوار بر شتر» را «پیامبر» دانسته‌اند (Crone and Cook, 1977: 5, n. 14) ولی هویلند (Hoyland, 1997: 309-10) و لوییس (Lewis, 1950: 323) آن را اشاره عام‌تری به اسماعیلیون فهمیده‌اند.

کرونه و کوک احتمال داده‌اند که این متن برگرفته از یک متن قدیمی‌تر باشد که بلافاصله پس از وقوع رخدادهای بیان شده در آن به نگارش درآمده است. دلیل آنان این است که مسیح در انتهای متن آمده و نه در میانه آن؛ (Crone and Cook, 1977: 5, n. 14) اما از دیدگاه

نو و کورن، این استدلال قانع‌کننده نیست و در نتیجه، این متن را باید متعلق به قرن هشتم میلادی دانست (Nevo and Koren, 2003: 199)؛ و این که در یک متن قرن هشتمی اشاره به یک پیامبر عرب به همراهی اسماعیلیون شده باشد، مایه شگفتی نیست و نمی‌توان از آن نتیجه ویژه‌ای برداشت کرد. در واقع، همان‌طور که بروک (Brock, 1982) خاطر نشان ساخته، تنها رویدادنامه‌های اندکی که متعلق به دوره متأخر از نگارش سنت اسلامی هستند، جزئیات فعالیت‌های نخستین محمد [ص] را به دست می‌دهند. افزون بر این، مسیحیانی که در کنار این عرب‌های تازه‌وارد زندگی کرده و با آنان ارتباط نزدیک داشته‌اند، تا بیش از دو نسل هیچ چیزی درباره اسلام از آنان نیاموخته‌اند و در متون بیزانسی - شامل نگاه‌های سریانی کلسدانی - تا قرن هشتم میلادی آگاهی از آموزه‌های اسلامی دیده نمی‌شود (Meyendorff, 1964: 115). به گفته بروک، «شاید تنها از زمان دیونسیوس تلمحری<sup>۱</sup> می‌توانیم یک آگاهی کامل از اسلام به عنوان یک دین جدید را [در نوشته‌های سریانی] درک کنیم». (Brock, 1982, 21) هیچ منبع سریانی یا یونانی، عرب‌های قرن هفتم میلادی را مسلمان نخوانده است، و نو و کورن بر این باورند که علت حقیقی این بوده که اصلاً در آن زمان چیزی به نام اسلام وجود نداشته است. (Nevo and Koren, 2003: 212)

#### ۴. نقد و بررسی

هدف نو و کورن از ارائه شواهد مکتوب غیراسلامی، اثبات این ادعاست که ساکنان سرزمین‌های فتح‌شده از زمان آغاز فتوحات عرب تا آغاز حکومت عبدالملک، از وجود حضرت محمد ﷺ به عنوان رهبر دینی عرب‌ها اطلاع نداشته، و به آن حضرت اشاره‌ای نکرده‌اند. این در حالی است که بررسی کامل متون سریانی به‌جامانده از دوره صدر اسلام نتیجه دیگری در پی دارد. در ادامه، به بررسی پنج متن سریانی که در آن‌ها به حضرت محمد ﷺ اشاره شده است می‌پردازیم. سه متن نخست به‌طور قطعی پیش از دوره حکومت عبدالملک بن مروان (۶۸۵-۷۰۵ م) نگاشته شده‌اند. متن چهارم نیز به احتمال زیاد متعلق به

1. Dionysius I Telmaharoyo

این دوره است. تاریخ نگارش متن پنجم تنها دو سال پس از آغاز حکومت عبدالملک است و حتی اگر دیدگاه نوو و کورن مبنی بر ایجاد شخصیت پیامبر ﷺ را توسط عبدالملک را بپذیریم، بسیار بعید است که وی در این فاصله کوتاه از آغاز حکومتش توانسته باشد آن قدر سریع این کار را انجام دهد که در متون سریانی نیز انعکاس یابد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این متن را نیز می‌توان به عنوان نقضی بر دیدگاه نوو و کورن بررسی کرد.

#### ۴.۱. گزارش سال ۶۳۷ م

کهن‌ترین متن سریانی موجود که به حضرت محمد ﷺ و احتمالاً به مهم‌ترین جنگ فتوحات اسلامی اشاره کرده، یادنامه مختصری از مشاهدات فردی ناشناس بر روی برگه خالی ابتدای یک کتاب مقدس است، که به گزارش سال ۶۳۷ م<sup>۱</sup> مشهور است. جلد کتاب کنده شده و این برگه نیز به شدت آسیب دیده و اغلب ناخواناست. این نگاهسته احتمالاً مربوط به مسیحیان مونوفیزیت (تک‌سرشت‌باور)<sup>۲</sup> است. (Penn, 2015b: 21; see also Palmer, 1993: 117; Hoyland, 1997: 4-2) توجه نویسنده به اموری چون روغن زیتون، احشام، و روستاهای ویران شده نشان می‌دهد او یک روستانشین دامدار بوده، و از آنجاکه وی قادر به نوشتن بوده است، باید یک راهب یا کشیش بوده باشد. (Palmer, 1993: 1)

نخستین کسی که این نوشته را مورد توجه قرار داد، ویلیام رایت بود که زمان نگارش آن را نزدیک به همان سال ۶۳۷ م دانست. (Wright, 1870: v. 1, 65-66, no. 94) از آن پس، دیدگاه‌های مختلفی درباره زمان نگارش آن ابراز شده است. نولدکه (Nöldeke 1875: 79) و پالمر (Palmer, 1993: 29) هم با این نظر موافقت کردند؛ اما بروک (Brock, 1976, 18)، دانر (Donner, 1981: 144) و هویلند (Hoyland, 1997: 117) با توجه به ناشناس بودن منبع این گزارش و ناخوانایی متن، از

1. Account ad 637

۲. مسیحیان مونوفیزیت یا تک‌سرشت‌باورها بر این باورند که پس از یگانه شدن سرشت خدا و انسان، عیسی مسیح به عنوان تجسم پسر یا کلمه خدا، تنها یک ذات یا طبیعت دارد که الهی است. در مقابل تک‌سرشت‌باوری، دوسرشت‌باوری (دئوفیزیسیم) قرار دارد که مسیح را دارای دو سرشت، یکی الهی و یکی انسانی معرفی می‌کند.

اعلام نظر قطعی خودداری کرده‌اند؛ اما مایکل فیلیپ پن با استناد به سخن نویسنده متن که «ما دیدیم...»، و با توجه به رواج سنت نگارش نکات یادنامه‌ای بر روی صفحات خالی ابتدای بابیل در میان مسیحیان سریانی سده هفتم میلادی و نامرتبی دستخط این نوشته، زمان نگارش را همان سال ۶۳۷م دانسته است. (Palmer, 1993: p.1; Penn, 2015b: 22) نوو و کورن ترجیح می‌دهند تاریخ نگارش این متن را با توجه به این که رخداد‌های سال‌های متوالی را پشت سر هم ذکر کرده، مدت نامشخصی پس از وقوع آن حوادث اعلام کنند، و بر اساس نظریه خود، ذکر نام محمد [ص] را شاهدی بر نگارش این متن پس از سال ۷۰ هجری (۶۹۰ میلادی) بدانند. نوو و کورن عبارت «ما دیدیم» در خط سیزدهم را نشانه‌ای بر این که نویسنده خودش شاهد عینی این رخدادها بوده است نمی‌دانند؛ زیرا نولدکه (Nöldeke 1875: 79) آن را به صورت مجهول «دیده شدند» ترجمه کرده است. (Nevo and Koren, 2003: 110-114)

در خود متن به زمان نگارش آن اشاره نشده است، و مجموع ادله نوو و کورن، بروک، داور، و هوپلند برای اثبات عدم اطمینان به زمان نگارش این متن را می‌توان بدین صورت جمع‌بندی کرد:

۱. در بخشی از این متن که قابل خواندن است، به رویدادهای دو یا سه سال به ترتیب تاریخی اشاره شده است. قبل و بعد از این بخش نیز خطوطی وجود دارد؛ اما غیرقابل خواندن است که احتمال می‌رود به رویدادهای سال‌های دیگری اشاره دارد. تاریخی که در خط ۲۴ به صورت نهصد و چه- [...] ثبت شده را می‌توان تاریخ آغاز رویداد تازه‌ای در سال ۹۴۸ سلوکی دانست که در خطوط ناخوانای بعدی ثبت شده است؛ بنابراین معلوم نیست این متن تا رویدادهای چه زمانی را ثبت کرده است. (Nevo and Koren, 2003: 113)

۲. در میان رخداد‌های مختلفی که در این متن بدان اشاره شده است، از رخداد‌هایی جزئیات بیشتری گزارش شده است که زودتر اتفاق افتاده‌اند، و نه رخداد‌های نزدیک به زمان نگارش توسط نویسنده. این امر نشانگر این است که نویسنده در حال ثبت شتاب‌زده‌ای از رخداد‌های تجربه‌شده توسط خودش نبوده، بلکه به نظر می‌رسد نویسنده، که احتمالاً در حال تمرین نگارش بوده، از متن دیگری این مطالب را بازنویسی کرده است. (Ibid: 113-114)

۳. عبارت «ما دیدیم» در خط سیزدهم، نمی‌تواند نشانه‌ای بر این باشد که نویسنده خودش شاهد عینی این رخدادها بوده است؛ زیرا همان‌طور که نولدکه (Nöldeke 1875: 79) ترجمه کرده است، این عبارت را می‌توان به صورت مجهول («دیده شدند») خواند. (Nevo and Koren, 2003: 113)

۴. با توجه به ناشناس بودن منبع این گزارش و ناخوانایی متن آن، بهتر آن است که از اعلام نظر قطعی درباره زمان نگارش آن خودداری شود. (Brock, 1976: 18; Donner, 1981: 144; Hoyland, 1997: 117)

اما به نظر می‌رسد این ادله نمی‌تواند ما را از اظهار نظر نسبتاً قطعی بازدارد؛ زیرا:

۱. همه کسانی که این متن را ترجمه کرده‌اند، یا به ترجمه این عبارت به این شکل تصریح کرده‌اند و یا از معاصر بودن این نویسنده با این رخدادها سخن گفته‌اند که نشان از خواندن این عبارت به صورت معلوم دارد (Wright, 1870: v. 1, 65-66, no. 94; Palmer, 1993: 29; Brock, 1976, 18; Donner, 1981: 144; Hoyland, 1997: 117; Penn, 2015b: 23). تنها نولدکه آن را به صورت مجهول خوانده، که البته وی نیز از اظهار نظر قطعی خودداری کرده است (Nöldeke 1875: 79)؛ بنابراین می‌توان نویسنده را معاصر رخدادهای ثبت شده دانست.

۲. از سوی دیگر، عبارت «ما دیدیم» در خط سیزدهم و در ضمن نقل رخدادهای نخستین سال گزارش شده (946 سلوکی/635 میلادی) آمده است؛ بنابراین، این ادعای نوو و کورن که رخدادهای نزدیک به زمان نگارش از جزئیات کمتری برخوردارند، نادرست و مصادره به مطلوب است؛ زیرا نویسنده ادعا دارد معاصر همه رخدادهای ثبت شده در این متن بوده است، و دلیلی برای ثبت گزارش غیرواقعی در یک یادداشت شخصی مختصر وجود ندارد.

۳. پس از آخرین تاریخ‌گذاری در خط ۱۲۴م (سال ۹۴۸ سلوکی/۶۳۷ میلادی) تنها چهار خط غیرقابل خواندن وجود دارد؛ بنابراین، برخلاف ادعای نوو و کورن در دلیل اول، نباید انتظار داشت رخدادهای سال‌های زیادی در این خطوط ثبت شده باشد. در نتیجه، زمان

نگارش این متن نباید در فاصله زیادی پس از آخرین تاریخ‌گذاری باشد.

۴. ثبت رخدادهایی که شخص شاهد آن‌ها بوده و آن‌ها را مهم می‌دانسته، بر روی صفحات خالی ابتدای بایبل در میان مسیحیان سریانی سده هفتم میلادی سنت رایجی بوده است. (Palmer, 1993: 1; Hoyland, 1997: 117; Penn, 2015b: 22) نامرتبی دستخط این نوشته (Ibid) نیز نشان از آن دارد که، برخلاف ادعای نوو و کورن، نویسنده آن به دنبال تمرین نگارش نبوده و به‌طور شتاب‌زده صرفاً به ثبت برخی رخداد‌های زمان خود پرداخته است. با توجه به این شواهد، با اطمینان نسبی می‌توان زمان نگارش این متن را در فاصله کمی از سال ۶۳۷م دانست، و در نتیجه، مجهول بودن نویسنده و ناخوانا بودن برخی قسمت‌های این متن، مانع اظهار نظر درباره زمان نگارش آن نخواهد بود؛ بنابراین، این متن کهن‌ترین اشاره به اسلام در متون سریانی است که در یک بافتار نظامی مطرح شده است. اشاره به نام حضرت محمد ﷺ در آن نشان می‌دهد که چقدر زود، مسیحیان سریانی از محوریت وی در پیدایش اسلام آگاهی یافته‌اند. (Penn, 2015b: 9)

#### ۴.۲. رویدادنامه ۶۴۰م

رویدادنامه ۶۴۰م (یا رویدادنامه توماس شبان)<sup>۱</sup> یک متن طولانی از مسیحیان میافیزیت است که از خلقت آدم ﷺ آغاز شده و تا سال‌های نخستین فتوحات اسلامی ادامه یافته است. این کتاب به ترتیب تاریخی پیش نرفته؛ اما غالباً به سال‌های مشخص یا نشانه‌هایی، دوره‌های پانزده‌ساله مورد استفاده رویدادنامه نویسان بیزانس، اشاره دارد. دانش گسترده نویسنده نسبت به رخداد‌های ابتدای قرن هفتم میلادی، مایه شگفتی بیشتر محققان شده است؛ با این حال، وی تنها چند جمله درباره عرب‌ها و فتوحات سخن گفته است، که می‌تواند حکایت از وجود این دیدگاه در آن زمان داشته باشد که فتوحات اسلامی تغییرات اساسی در منطقه پدید نیاورده است. با توجه به این‌که بیشتر پژوهشگران، نویسنده را معاصر این رخداد‌ها

1. Thomas the Presbyter

دانسته‌اند، همین چند جمله نیز از ارزش بالایی برخوردار است. پس از گزارش سال ۶۳۷م این نوشته، قدیمی‌ترین اشاره به حضرت محمد ﷺ است. معمولاً گزارش وی از جنگی در نزدیکی غزه را اشاره به نبرد دائن (قریه‌ای در غزه) دانسته‌اند که نخستین برخورد نظامی عرب با نیروهای بیزانس است. وی برخلاف نوشته‌های بعدی، برای جنگ‌ها و تلفات انسانی به دنبال توجیحات دینی؛ مانند مجازات مسیحیان گنه‌کار یا نزدیکی آخرالزمان نیست. (Penn, 2015b: 25-26; see also Howard-Johnston, 2010: 59-66; Hoyland, 1997: 118-) (Penn, 2019a: 20-21)

بر اساس دانش خط‌شناسی، تنها نسخه خطی به‌جامانده از این متن در کتابخانه بریتانیا را باید متعلق به نیمه سده هشتم دانست. ارنست والتربروکس ویرایشی از آن را در سال ۱۹۰۴م منتشر ساخته است. (Penn, 2015b: 26-27)

در میان صاحب‌نظران، تنها جیمز هوارد-جانستون، نویسنده کتاب شاهدان یک بحران جهانی، آن را ترکیبی از پنج منبع مختلف دانسته، و از این‌رو آن را رویدادنامه ۷۲۴ میلادی نامیده است؛ اما حتی او نیز زمان نگارش بخش مربوط به فتوحات اسلامی را حدود سال ۶۴۰م می‌داند. (Howard-Johnston, 2010: 63-66) شواهد این تاریخ‌گذاری عبارت‌اند از: اشاره نویسنده به سی سال حکومت هراکلیوس، آوردن نام وی در انتهای فهرست امپراتورهای بیزانس، و فقدان گزارشی از مرگ او در سال ۶۴۱م (Palmer, 1993: 5; Penn, 2015b: 27-28). هویلند بر این باور است که تاریخ‌گذاری بسیار دقیقی که در این متن وجود دارد، این اطمینان را ایجاد می‌کند که نویسنده بر اساس دانش دست‌اول از این وقایع به ثبت آن‌ها پرداخته است. (Hoyland, 1997: 120)

متن این رویدادنامه چنین است:

در سال ۹۴۵ [۶۳۴ میلادی]، سال هفتم دوره ارزیابی مالیاتی، در روز جمعه چهارم فوریه ساعت نهم، جنگی میان رومی‌ها و عرب‌های محمد در فلسطین، دوازده مایلی شرق غزه روی داد. رومی‌ها فرار کردند. آن‌ها نجیب‌زاده بریزدن را رها کردند و عرب‌ها او را کشتند. حدود چهار هزار روستایی بیچاره فلسطینی - مسیحی، یهودی و سامره‌ای - کشته شدند، و عرب‌ها تمام منطقه را ویران ساختند.

در سال ۹۴۷ [۶۳۶/۶۳۵ میلادی]، سال نهم دوره مالیاتی، عرب‌ها تمامی سوریه را مورد هجوم قرار داده و تا ایران پیش رفتند و آن را فتح کردند. آنان از کوه ماردین بالا رفتند و عرب‌ها راهبان بسیاری را در قدار و بُناتا به قتل رساندند. سیمون مقدس، سرایدار قدار، برادر کشیش توماس، در آنجا مرد (Penn, 2015b: 28).

نو و کورن اصلاً به این متن مهم که در آن حتی نام حضرت محمد ﷺ آمده است، اشاره نکرده‌اند. این در حالی است که این متن حداقل از سال ۱۸۷۰م توسط ویلیام رایت (Wright, 1870, v. 3: 1040-1041) معرفی و منتشر شد و همواره مورد استناد سربانی پژوهان بوده است.

### ۴.۳. رویدادنامه خوزستان

رویدادنامه خوزستان یکی از ارزشمندترین رویدادنامه‌های سربانی شرقی از نویسنده‌ای گمنام است که به‌طور کامل به دست ما نرسیده است. منطقه خوزستان محور اصلی بخش انتهایی این نوشته است و از این رو دانشمندان متأخر این نام را به آن داده‌اند. (رضاخانی و امیری، ۱۳۹۵: ۲۶-۳۶) این کتاب بر تاریخ کلیسایی حدود ۵۹۰ تا میانه سده هفتم متمرکز شده است و در دو موضع درباره اسلام سخن می‌گوید. یک بار در بخش اصلی، و یک بار در بخشی که بیشتر

۱. در امپراتوری روم، دوره‌های ارزیابی مالیاتی (indiction) پانزده‌ساله وجود داشت که مورخان نیز از آن برای بیان زمان رخدادها استفاده می‌کردند. عدد بیان شده می‌تواند به سال موردنظر در هر دوره نیز اشاره کند؛ بنابراین در این متن «the seventh indiction» به معنای سال هفتم دوره مالیاتی جاری است. (Duncan-Jones 1994, 59-63)

محققان آن را، با توجه به تفاوت دستخط، نوشته نویسنده متأخرتری می‌دانند که در فاصله اندکی پس از نگارش بخش اصلی به آن ضمیمه شده است. این صفحات شامل برخی از جامع‌ترین توصیفات سریانی شرقی از فتوحات اسلامی است که از حضرت محمد ﷺ، کعبه، مدینه، روابط حاکمان اسماعیلی با مسیحیان، و این‌که خداوند فرزندان اسماعیل را بر بیزانس و ایران پیروز کرده، نیز سخن گفته است. (Penn, 2015b: 47; Howard-Johnston, 2010: 128)؛ مقایسه محتوای رویدادنامه خوزستان با منابع دیگری چون تاریخ خسرو نشان از دقت بسیار خوب آن دارد. ابراز این دیدگاه درباره بخش ضمیمه دشوارتر است؛ اما همپوشانی‌ها و توافقی‌های موجود بین این بخش و منابع دیگر در کلیت فتح خوزستان و نیز در جزئیات آن به اندازه‌ای هست که بتوان آن را به عنوان یک گزارش کهن از آنچه در اذهان مردم آن دوره از فتوحات به یاد مانده است، قلمداد کرد. (Howard-Johnston, 2010: 132-134)

چهار نسخه از این کتاب در دست است: نسخه بغداد، صومعه کلدانی ۵۰۹ بر اساس دانش خط‌شناسی متعلق به قرن سیزده یا چهارده میلادی دانسته شده است. دو نسخه مینگانا سریانی ۴۷ و ۵۸۶ در ابتدای قرن بیستم استنساخ شده، و نسخه واتیکان بُرگ (Vatican Borg) نیز ظاهراً استنساخی از نسخه قرون وسطایی بغداد است که در دوره معاصر انجام شده است. در سال ۱۹۰۲م، ایگناتیوس گویدی<sup>۱</sup>، مستشرق ایتالیایی، این کتاب را بر اساس نسخه واتیکان بُرگ منتشر ساخت. (Penn, 2015b: 48) در سال ۱۳۹۵ش، خداداد رضاخانی و سجاد امیری باوندپور این رویدادنامه را بر اساس ویراست گویدی به فارسی ترجمه کرده و همراه با تعلیقاتی منتشر ساختند.<sup>۲</sup>

یک پنجم آخر رویدادنامه خوزستان، به ناگاه دچار تغییر سبک و تأکیدات نویسنده شده، و بیشتر از سایر بخش‌ها به رخدادهای غیردینی و مسائل جغرافیایی پرداخته است؛ از این رو،

1. Ignatius Guidi

۲. رویدادنامه سریانی موسوم به رویدادنامه خوزستان؛ روایتی از آخرین سال‌های پادشاهی ساسانی، ترجمه و تعلیقات از خداداد رضاخانی، سجاد امیری باوندپور، تهران: حکمت سینا، ۱۳۹۵.

بیشتر محققان این بخش را یک ضمیمه دانسته‌اند. بخش اصلی کتاب که شاید نوشته الیاس، جاثلیق کلیسای سریانی مرو باشد، تنها یک پاراگراف درباره فتوحات اسلامی سخن می‌گوید؛ اما بخش ضمیمه بحث مفصلی در این باره دارد و اشاره کوتاهی به کعبه و مدینه نیز می‌کند. (Ibid: 47) ذکر نام حضرت محمد ﷺ به عنوان «رهبر عرب‌ها» در همین بخش صورت گرفته است. (رویدادنامه خوزستان: ۸۹)

از آنجا که در بخش اصلی به حوادث پس از دهه ۶۵۰م اشاره‌ای نمی‌کند، بیشتر محققان معاصر زمان نگارش آن را در این زمان یا مدت کمی پس از آن تخمین می‌زنند. در بخش ضمیمه، احتمالاً به مرگ الیاس (۶۵۹م.) اشاره شده است. همچنین بیان می‌کند که عرب‌ها هنوز قسطنطنیه را نگشوده‌اند. این می‌تواند اشاره به نخستین حمله عرب‌ها به قسطنطنیه در دهه ۶۵۰م و یا محاصره آن در دهه ۶۷۰م باشد؛ بنابراین اگر بخش ضمیمه اثر نویسنده دیگری باشد، حدود دهه ۶۶۰ تا ۶۸۰م نوشته شده است. (Penn, 2015b: 49; see also Hoyland, 1997: 182-189) که پیش از دوره حکومت عبدالملک بن مروان (۶۸۵-۷۰۵م) است.

#### ۴.۴. رویدادنامه مارونی

چهارمین متن سریانی که به پیامبر اسلام اشاره کرده، رویدادنامه مارونی است. این نام را محققان معاصر به بخش‌های به‌جامانده از یک تاریخ عمومی سریانی بی‌نام از یک نویسنده مارونی داده‌اند. گزارش‌های این رویدادنامه درباره تاریخ اسلام، به‌ویژه خلافت معاویه، از اهمیت خاصی برخوردار است. افزون بر ارائه اطلاعاتی از تاریخ نظامی و سیاسی نیمه سده هفتم، این متن شامل سه فراز درباره برخوردهای بین‌الادیانی است. یکی از این موارد، مناظره مسیحیان میافیزیت و مسیحیان مارونی است که گفته شده در مقابل معاویه صورت گرفته است، و وی جانب مارونی‌ها را گرفته است؛ اما اسقف میافیزیت با دادن چیزهایی به معاویه، حمایتش را در برابر مارونی‌ها جلب می‌کند. فراز دوم، بازدید معاویه از اورشلیم، خواندن نماز در جلجتا، جتسیمانی و مقبره مریم را بیان کرده است. فراز سوم، شامل ضرب سکه‌های طلا و نقره بدون علامت صلیب توسط معاویه است. قسمتی از متن که نام پیامبر ﷺ در آن آمده

عبارت است از:

در سال ۹۷۱ [۶۶۱/۶۶۰ میلادی]، هجدهمین سال کنستانس، عرب‌های زیادی در اورشلیم گرد آمدند و معاویه را پادشاه کردند. او بالا رفت و بر جلجته برنشست. آنجا نماز گزارد، به جتسیمانی رفت، به مقبره مریم مقدس پایین رفت و آنجا نماز خواند. در آن روزها که عرب‌ها با معاویه آنجا بودند، لرزه و زلزله ویرانگری آمد. بیشتر اریحا فروریخت، و تمامی کلیساهای آن. خانه مار یوحنا در کنار اردن، جایی که منجی ما تعمیر یافت، از جا کنده شد. همچنین صومعه ابنا یوثیمیوس،<sup>۱</sup> سرای بسیاری از راهبان و خلوت‌نشینان، و مکان‌های فراوان [دیگر] در طول زمان [زلزله] فروریخت. در همان سال، در ماه جولای، امیران و عرب‌های بسیاری گرد آمدند و با معاویه بیعت کردند. فرمانی صادر شد که باید او پادشاه خوانده شود در همه روستاها و شهرهای تحت کنترلش، و آنان باید برای او دعا و شادی کنند. او [سکه‌های] طلا و نقره ضرب کرد؛ ولی چون علامت صلیب نداشت، مورد پذیرش واقع نشد. معاویه همچنین تاجی مانند پادشاهان جهان بر سر نگذاشت. او تخت پادشاهی خود را در دمشق نهاد و نخواست که به تخت محمد [ص] برود. (Penn, 2015b: p. 58)

تنها یک نسخه تکه‌تکه از این متن به‌جامانده است. صفحه ابتدای کتاب در سنت پیتزبورگ است. سایر اوراق را لت‌های چهارصفحه‌ای تشکیل می‌دهند که در موزه بریتانیا دوباره صحافی شده و بخشی از British library Additional 17,216 است.<sup>۲</sup> ویلیام رایت بر اساس دانش خط‌شناسی، این نسخه را متعلق به سده هشتم یا نهم دانسته است. بخش‌های به‌جامانده، از دوران اسکندر کبیر شروع می‌شود و تا 66/665م میلادی ادامه می‌یابد. البته مباحث سال‌های ۳۶۱ تا ۶۵۸م نیز در دست نیست. ارنست والتر بروک در سال ۱۹۰۴م نسخه‌ای از این کتاب را منتشر کرده است. (Ibid: 55)

1. Abba Euthymius

۲. مایکل فیلیپ پن شماره این نسخه را به‌اشتباه ۱۲،۲۱۶ ثبت کرده است؛ (Penn, When ..., 2015: 55) اما درست همان است که در متن آمده است. (see Ginkel, 2010, 1083; Palmer, 1993: 29)

جانب‌داری نویسنده از مارونی‌ها، هویت دینی نویسنده را آشکار ساخته است. برخی او را همان تئوفیلیوس اهل ادسا دانسته‌اند؛ اما عدم تطابق متن این کتاب با منقولات فراوانی که نویسندگان بعدی از رویدادنامه تئوفیلوس آورده‌اند، این فرضیه را باطل می‌سازد. (Ibid: 56)

فقدان اوراق گزارش‌های سال‌های پس از ۶۶۶ میلادی، مانع تشخیص دقیق زمان نگارش کتاب است. شواهدی برای اثبات نگارش کتاب در فاصله اندکی از دهه ۶۶۰م وجود دارد: در این متن نشانی از جدایی مارونی‌ها از کلیسای بیزانس در اوایل دهه ۶۸۰م، و شدت یافتن درگیری‌ها در ابتدای قرن هشتم، دیده نمی‌شود. تطابق تاریخ‌ها با روزهای هفته در صفحات پایانی نشان از آن دارد که نویسنده تقریباً معاصر این زمان بوده است؛ اما شواهد دیگری از نگارش کتاب پس از دهه ۶۹۰م نیز قابل مشاهده است: این رویدادنامه تاریخ ولادت مسیح را سال ۳۰۹ سلوکی دانسته است که احتمالاً از کتاب رویدادنامه یعقوب ادسای اقتباس شده است که نگارش آن تا دهه ۶۹۰م هنوز تمام نشده است. (Penn, 2015b: 56-57; see) (also Howard- Johnston, 2010: 175-178; Hoyland, 1997: 135-39; Palmer, 1993: 29, 35)

به گفته مایکل فیلیپ پن، سکه‌شناسان نسبت دادن اصلاح سکه‌های اسلامی به معاویه را یک تاریخ‌پریشی می‌دانند؛ زیرا بنا بر قول مشهور، این اقدام توسط عبدالملک در دهه ۶۹۰م صورت پذیرفته است، و بنابراین، نویسنده پس از این دوران به نگارش این گزارش پرداخته است؛ (Penn, 2015b: 56) اما این استدلال مبتنی بر برهان سکوت منابع است که نیازمند بررسی و نقد جداگانه‌ای است. این مسئله کاملاً محتمل است که معاویه نیز سکه‌هایی بدون نماد صلیب ضرب کرده باشد؛ اما از آنجاکه مطابق متن رویدادنامه مارونی مورد پذیرش قرار نگرفت، این کار ادامه پیدا نکرده، و از این رو تعداد زیادی از این سکه‌ها ضرب نشده است تا به راحتی انتظار کشف بقایای آن توسط باستان‌شناسان وجود داشته باشد.

#### ۴.۵. کتاب نکات اصلی

آخرین متن مشتمل بر اشاراتی به پیامبر اسلام ﷺ که می‌توان گفت پیش از اقدامات

اسلامی-عربی سازی عبدالملک نگاشته شده، کتاب نکات اصلی، نوشته یوحنا بارپنکایی<sup>۱</sup> است. در اواخر دهه ۶۸۰م، رئیس صومعه سریانی شرقی یوحنا کامل<sup>۲</sup> از یکی از راهبان خود، یوحنا فینکی (که بیشتر به یوحنا بارپنکایی شناخته می شود) خواست که پاسخی الهیاتی به رخدادهای آن دوره بنویسد. یوحنا درخواست رئیسش را کاملاً جدی گرفت و بیش از چهارصد صفحه در قالب ۱۵ کتاب به نگارش درآورد. این مجموعه که در کل، عنوان کتاب نکات اصلی را یافت، تاریخ جهان از ابتدای خلقت تا اواخر دهه ۶۸۰م را در برمی گیرد. نگارش کتاب در دوره جنگ های داخلی دوم پس از مرگ معاویه دوم در ۶۸۳م انجام شده است. در این زمان، عراق از سلطه دو خلیفه رقیب یعنی عبدالملک بن مروان و عبدالله بن زبیر به دور بود؛ ولی گروهی از زندانیان جنگی غیرعرب، شورشی ضد عربی به راه انداخته بودند و شهر نصیبین در صد کیلومتری جنوب غربی صومعه یوحنا را در اختیار گرفته بودند. (Penn, 2015b: 85-86)

نسخه های متعددی از این کتاب وجود دارد که قدیمی ترین آن ها نسخه Mosul 26 و متعلق به سال ۱۸۷۴/۷۵م است. در انجمله این نسخه بیان شده است که آن را از نسخه ای متعلق به ۱۲۶۲م استنساخ کرده اند. در سال ۱۹۰۷م، آلفونس مینگانا<sup>۳</sup> کتاب های ۱۰-۱۵ این نسخه را منتشر ساخت (Ibid: 87-88).

یوحنا بارپنکایی در شمال غربی بین النهرین در شهر فینک به دنیا آمد. وقتی او این کتاب را می نوشت، راهبی در صومعه سریانی شرقی یوحنا کامل تحت نظر ابوت سبریشوع بود. بر اساس نوشته های قرون وسطایی، او در برهه ای از زمان به صومعه مار باسایما منتقل شده است. هیچ یک از محققان در نسبت این کتاب به وی تشکیک نکرده اند.

آخرین رخدادی که در این متن به طور مطمئن تاریخ گذاری شده است، وفات مختار، رهبر

1. Book of Main Points, John bar Penkāyē

2. John Kāmūl

3. Alphonse Mingana

شورشیان است که منابع اسلامی آن را در سوم آوریل ۶۸۷م ذکر کرده‌اند. باور یوحنا به پیروزی شورشیان نشان از نگارش کتاب پیش از سال 690م است که آنان شکست خوردند. از گزارش او همچنین به نظر می‌رسد هنوز عبدالله بن زبیر برای خلافت می‌جنگیده است. نیز یوحنا جاثلیق سریانی شرق را حنانیشوع اول ذکر می‌کند، که در سال ۶۹۲/۹۳م دیگر این سمت را نداشته است؛ بنابراین، مجموع اشارات تاریخی به خوبی نشان از نگارش کتاب در سال ۶۸۷م یا بلافاصله پس از آن دارد. (Penn, 2015b: 88; see also Hoyland, 1997: 194-200)

نویسنده در کتاب پانزدهم، پس از اشاره به نخستین جنگ داخلی مسلمانان، به پیروزی بنو امیّی [=بنو امیّیه] اشاره می‌کند و سپس می‌نویسد:

از [غربی‌ها] مردی به نام معاویه پادشاه گردید و کنترل پادشاهی ایران و روم را به دست گرفت. عدالت در این روزها شکوفا شد، و آرامش عظیمی در مناطق تحت کنترل وی وجود داشت. او اجازه داد هر کس مطابق میل خویش [زندگی] خود را اداره کند؛ زیرا همان‌طور که در بالا بیان کردم، آنان از فرمانی مشخص درباره مردم مسیحی و مراتب رهبانی از جانب او که راهنمایان بود حمایت می‌کردند. با این راهنمایی، آنان همچنین پرستش خدای یگانه را مطابق قانون قدیم مورد حمایت قرار دادند، و در آغاز، از سنت آموزگار خویش محمد [ص] حمایت کردند؛ به‌گونه‌ای که مجازات مرگ را برای کسی که به نظر می‌رسید جرئت [تخطی از] قوانین او را یافته است، اجرا می‌کردند. (Penn, 2015b: 92)

اشاره نویسنده به پرستش خدای یگانه و نیز جایگاه محوری حضرت محمد ﷺ، به روشنی گواه آن است که مسیحیان دوره پیش از عبدالملک نیز به خوبی از بنیان‌های اعتقادی اسلام آگاهی داشته‌اند، و در نتیجه، قطعاً این باورها مدت‌ها پیش از آن باید وجود می‌داشت تا به تدریج در متون سریانی بازتاب یابد.

## جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از سه محور اصلی نظریه نوو و کورن درباره شکل گیری اسلام در دوره اموی، شکل گیری شخصیت پیامبر اسلام ﷺ توسط عبدالملک بن مروان در راستای ایجاد هویت دینی مستقل برای حکومت عرب هاست. آنان برای اثبات دیدگاه خویش، به منابع مکتوب غیراسلامی و یافته های باستان شناختی استناد کرده اند. نوشتار حاضر با تکیه بر شواهد به جامانده در متون سریانی کهن به ارزیابی این دیدگاه پرداخته است. به نظر می رسد حداقل پنج متن سریانی را می توان به عنوان شواهدی برخلاف نظریه نوو و کورن مورد بررسی قرار داد. این پنج متن از حضرت محمد ﷺ یاد کرده اند و تاریخ نگارش آن ها پیش تر از تاریخی است که مطابق نوو و کورن، شخصیت پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفته است. این پنج متن عبارت اند از: گزارش سال ۶۳۷م، رویدادنامه ۶۴۰م، و رویدادنامه خوزستان، رویدادنامه مارونی و کتاب نکات اصلی.

با توجه به معاصرت نویسنده با رخدادهایی که گزارش کرده است و نیز دلالت نامرتبی دستخط او بر شتاب زدگی اش برای ثبت برخی رخداد های زمان خود، با اطمینان نسبی می توان زمان نگارش گزارش سال ۶۳۷م را در فاصله کمی از سال ۶۳۷ میلادی دانست، و در نتیجه، مجهول بودن نویسنده و ناخوانا بودن برخی قسمت های این متن، مانع اظهار نظر درباره زمان نگارش آن نخواهد بود. تاریخ نگارش بخش مربوط به فتوحات اسلامی در رویدادنامه ۶۴۰م نیز به اجماع پژوهشگران، حدود سال ۶۴۰م است. شواهد این تاریخ گذاری عبارت اند از: اشاره نویسنده به سی سال حکومت هراکلیوس، آوردن نام وی در انتهای فهرست امپراتورهای بیزانس، فقدان گزارشی از مرگ او در سال ۶۴۱م، و تاریخ های دقیق رویدادها که نشانگر دانش دست اول نویسنده از آن هاست. رویدادنامه خوزستان نیز پیش از دوره عبدالملک نگاشته شده است و حتی بخش ضمیمه آن با وجود اشاره آن به اینکه عرب ها هنوز قسطنطنیه را نگشوده اند، باید حدود دهه ۶۶۰ تا ۶۸۰م نوشته شده باشد؛ بنابراین، با توجه به شواهد موجود، سه متن نخست را باید متعلق به سال های پیش از دوره حکومت عبدالملک بن مروان (۶۸۵-۷۰۵م) دانست.

متن چهارم، یعنی رویدادنامه مارونی، نیز به احتمال زیاد متعلق به این دوره است؛ زیرا شواهدی برای اثبات نگارش کتاب در فاصله اندکی از دهه ۶۶۰م وجود دارد؛ در این متن نشانی از جدایی مارونی‌ها از کلیسای بیزانس در اوایل دهه ۶۸۰م، و شدت یافتن درگیری‌ها در ابتدای قرن هشتم، دیده نمی‌شود. تطابق تاریخ‌ها با روزهای هفته در صفحات پایانی نشان از آن دارد که نویسنده تقریباً معاصر این زمان بوده است؛ اما شواهد دیگری از نگارش کتاب پس از دهه ۶۹۰م نیز قابل مشاهده است و از این رو احتمال نگارش آن در دوره عبدالملک نیز وجود دارد.

آخرین متن سریانی کتاب نکات اصلی است که مجموع اشارات تاریخی موجود در آن به خوبی نشان از نگارش کتاب در سال ۶۸۷م یا بلافاصله پس از آن دارد؛ بنابراین این متن تنها دو سال پس از آغاز حکومت عبدالملک نوشته شده است و حتی اگر دیدگاه نوو و کورن مبنی بر ایجاد شخصیت پیامبر ﷺ را توسط عبدالملک را بپذیریم، بسیار بعید است که وی در این فاصله کوتاه از آغاز حکومتش توانسته باشد آن قدر سریع این کار را انجام دهد که در متون سریانی نیز انعکاس یابد.

این نکته نیز حائز اهمیت است که نوو و کورن تنها یکی از این پنج متن را مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند و در اقدامی غرض‌ورزانه، سایر موارد به کلی در این اثر مورد تغافل قرار گرفته‌اند.

## منابع فارسی و عربی

۱. پُپ، فُلکر. (۲۰۱۴م). آغاز اسلام از اوگاریت به سامریه. ترجمه ب. بی‌نیاز (داریوش).  
آلمان: فروغ
۲. رویدادنامه سریانی موسوم به رویدادنامه خوزستان؛ روایتی از آخرین سال‌های پادشاهی ساسانی (۱۳۹۵). ترجمه و تعلیقات از خداداد رضاخانی. سجاد امیری باوندپور. تهران: حکمت سینا
۳. کورن، جی؛ نوو، وای. دی. (۱۳۸۷). «رویکردهای روش‌شناختی در غرب به مطالعات اسلامی». ترجمه رحیم راستی تبار. پژوهش و حوزه. ش ۳۰ و ۳۱. ص ۲۵-۵۳
۴. لنگرودی، آرمین. (۲۰۱۸م). چگونه مسلمان شدیم؟ آلمان: فروغ. چ ۲

## منابع لاتین

5. Al-Azmeh, Aziz. (2014). *The Emergence of Islam in Late Antiquity: Allah and His People*. Cambridge University Press.
6. Brock, Sebastian P. (1976). 'Syriac Sources for Seventh Century History'. *Byzantine and Modern Greek Studies* 2. pp. 17-36
7. Brock, Sebastian P. (1982). 'Syriac Views of Emergent Islam'. in G.H.A. Juynboll, ed. *Studies on the First Century of Islamic Society (Papers on Islamic History 5: Carbon-dale and Edwardsville*. pp. 9-21
8. Crone, Patricia; Michael Cook. (1977). *Hagarism: the making of the Islamic world*. CUP Archive.
9. Donner, Fred McGraw. (1981). *The Early Islamic Conquests*. Princeton University Press
10. Grodzki, M. (2014). "Christian-Muslim Symbolism on Coins of the Early Arab Empire (7-8th century CE); An Attempt at a New Approach". *Asian and African Studies*
11. Holland, Tom. (2012). *In the shadow of the sword: the battle for global empire and*

the end of an ancient world-Little. Brown

12. Howard-Johnston, James. (2010). *Witnesses to a World Crisis: Historians and Histories of the Middle East in the Seventh Century*. Oxford University Press

13. Hoyland, Robert. (1977). *Seeing Islam as Others Saw It: a survey and evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian writings on early Islam*. Princeton

14. Kaegi, Walter Emil. (1969). "Initial Byzantine reactions to the Arab conquest". *Church History*. ۳۸,۲. 139-149

15. Koren, Judith, and Yehuda D. Nevo. (1991). "Methodological approaches to Islamic studies". *Der Islam*. 68.1. 87-107

16. Lewis, Bernard. (1950). "An Apocalyptic Vision of Islamic History." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. 13.2. 308-38

17. Meyendorff, John. (1964). "Byzantine Views of Islam". *Dumbarton Oaks Papers*. 18. 115-132

18. Nevo, Yehuda D. (1985). *Sede Boqer and the Central Negev, 7th-8th Century AD*. Jerusalem. Israel Publication Services

19. \_\_\_\_\_ (1994). "Towards a prehistory of Islam". *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*. 108-141

20. \_\_\_\_\_ (1991). *Pagans and herders: A re-examination of the Negev runoff cultivation systems in the Byzantine and early Arab periods*. Negev. Israel. IPS Limited.

21. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. (1990). "The origins of the Muslim descriptions of the Jāhili Meccan sanctuary". *Journal of Near Eastern Studies*. 49.1: 23-44

22. \_\_\_\_\_ (2003). *Crossroads to Islam: the Origins of the Arab religion and the Arab state*. Prometheus Books

23. Nevo, Yehuda D., Zemira Cohen, and Dalia Heftman. (1993). *Ancient Arabic Inscriptions from the Negev*. Midreshet Ben-Gurion. IPS Ltd.

24. Penn, Michael Philip. (2015a). *Envisioning Islam: Syriac Christians and the Early*

Muslim World. University of Pennsylvania Press

25. \_\_\_\_\_ (2015b). *When Christians First Met Muslims*. University of California Press

26. Nöldeke, Theodore. (1875). *Zur Geschichte der Araber im 1. Jahrh. d. H. aus syrischen Quellen: I. Die letzten Kämpfe um den Besitz Syriens.* "Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft XXIV:76-82

27. Paret, R. (1980). *Mohammed und der Koran: Geschichte und Verkündigung des arabischen*

28. Palmer, Andrew. (1993). *The Seventh Century in the West- Syrian Chronicles*. Liverpool: Liverpool University Press

29. Rodinson, Maxime. (1961). *Mahomet*, Paris: (English edn., Muhammad, Harmondsworth

30. Rosen-Ayalon, M., Ben-Tor, A. & Nevo, Y. (1982). *The Early Arab Period in the Negev*. Jerusalem. The Hebrew University of Jerusalem. Institute of Archaeology

31. Schoeler, Gregor. (2010). *The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity*. Routledge

32. Shutao, Wang. (2016). *The Origins of Islam in the Arabian Context*. University of Bergen

33. Wakeley, James Moreton. (2018). "The Problem of the Islamic Sources". in *The Two Falls of Rome in Late Antiquity*. Palgrave Pivot. Cham. 25-34

34. Wansbrough, John E. (1977). *The sectarian milieu: Content and composition of Islamic salvation history*. Oxford Univ Press

35. Watt, W. M. (1953). *Muhammad at Mecca*. Oxford

36. Wright, William. (1870). *Catalogue of Syriac Manuscripts in the British Museum Acquired Since the Year 1838*. London: Longman

## منابع اینترنتی

37. [www.britannica.com/topic/allegorical-interpretation](http://www.britannica.com/topic/allegorical-interpretation).
38. [www.en-academic.com/dic.nsf/enwiki/2220453](http://www.en-academic.com/dic.nsf/enwiki/2220453).
39. [www.wikipedia.org/Yehuda\\_D.\\_Nevo](http://www.wikipedia.org/Yehuda_D._Nevo).
40. [www.wikipedia.org/Varieties\\_of\\_criticism](http://www.wikipedia.org/Varieties_of_criticism).

## Critical Evaluation of Nevo and Koren's Views on the Emergence of the Prophet of Islam (PBUH), Based on Syriac Texts

Seyed Muhammad Soltani<sup>1</sup>

### Abstract

One of the most important theories of revisionist orientalists is the gradual formation of Islam from a primitive monotheistic religion that emerged in the form of Islam during the Umayyad period.

In the book "Crossroads to Islam: The Origins of the Arab Religion and the Arab State", Novo and Koren explain this theory based on archaeological evidence and early Syriac texts of Islam. One of the main axes of this theory is the creation of the personality of the Prophet (PBUH) during the period of Abdul Malik bin Marwan, and therefore the religion of the Arabs in this period was called "Muhammadianism".

Considering the spread and wide influence of this view in scientific societies and the spread of reference to Syriac texts in the analysis of the events of early Islam, the following article evaluates this view based on the Syriac texts of early Islam using the method of historical-critical analysis.

The results of the research show that the theory of Nevo and Koren about the emergence of the personality of the Prophet of Islam (PBUH) is not based on a scientific method in using Syriac texts related to the first period of the formation of Islam, and it provides an incorrect explanation of these texts.

Among the ancient Syriac texts, the Report of 637 AD, the Chronicle of 640 AD, the Chronicle of Khuzestan, the Chronicle of Maronite, and the Book of Main Points have mentioned Prophet Muhammad (PBUH), and the first three texts were definitely written before the reign of Abdul Malik bin Marwan.

**Key words:** Prophet Muhammad (PBUH), Orientalists, Judah Nevo, Judith Koren, Syriac texts, Abdul Malik ibn Marwan.

---

1. Doctorate in Islamic History; Baqir al-Olum University (AS)